

کاهش آمار اشتغال، افزایش آمار طلاق زنان ایرانی

گفتگوی رویا کریمی مجد از رادیو فردا با مهرداد درویش پور

به راستی کشور دیگری را نمی‌شناسم که شکاف میان ملت و دولت و علایق فرهنگی و رفتاری ملت و دولت چنین عمیق باشد. هیچ بخش از رفتار مردم ایران به خصوص شهر نشینان، شباهتی با الگوهای اسلامی که حکومت تبلیغ می‌کند ندارد

روانشناسان می‌گویند داشتن شغل و حرفه از ملاک‌های سلامت روان است. برای این اساس فردی که شغل و حرفه‌ای داشته باشد و در آن نیازهای اساسی‌اش مانند احساس تعلق به جامعه کاری، توانمندی، ارزشمندی و حس استقلال مالیش تامین شود، سلامت روانی بیشتری خواهد داشت. در این میان فعالان مسایل زنان نیز می‌گویند هر چه در یک جامعه مدنی، زنانی توانمندتر و مستقل‌تر وجود داشته باشد، جامعه سالم‌تر خواهد بود.

در این میان فعالان مسایل زنان نیز می‌گویند هر چه در یک جامعه مدنی، زنانی توانمندتر و مستقل‌تر وجود داشته باشد، جامعه سالم‌تر خواهد بود.

با این همه اما مسعود نیلی مشاور رئیس‌جمهور در امور اقتصادی؛ در مرداد ماه سال جاری اعلام کرده بود که نرخ بیکاری زنان بعد از سال ۱۳۸۵ حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است.

به گفته او، تعداد شاغلان زن در سال ۱۳۶۵ کمتر از یک میلیون نفر بود که تا سال ۱۳۸۴ به چهار میلیون نفر رسید. با این حال در حد فاصل بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۹۰۰ هزار نفر از تعداد شاغلان زن کم شده است.

مهرداد درویش‌پور، جامعه‌شناس ساکن سوئد دلیل کم شدن تعداد زنان شاغل را تفکر حاکم بر جمهوری اسلامی می‌داند و به رادیو فردا می‌گوید: « جمهوری اسلامی به شدت علاقه مند است که باروری تولید را بالا ببرد و این جز با خانه نشین‌تر کردن هر چه بیشتر زنان میسر نیست. امروز تنها ۱۴ درصد زنان در بازار کار ایران حضور دارند و این رقم در مقایسه با سال ۱۳۵۵ تغییر چندانی نکرده است، این در

حالی است که در سال های اخیر در همه کشورهای جهان، اشتغال زنان به مراتب بیش از گذشته شده است. اما جمهوری اسلامی حتی این درصد کم از حضور زنان در بازار کار را به راحتی تحمل نمی کند. وقتی جاه طلبی دو برابر کردن جمعیت ایران وجود دارد، این جاه طلبی با اشتغال زنان و توجه زنان به خواسته های خودشان در تضاد است و خانه نشین کردن زنان بهترین راه افزایش جمعیت است.»

اما آیا می توان بار افزایش جمعیت را تنها بر دوش ۱۴ درصد از زنان جامعه گذاشت؟ علاوه بر اینکه حذف این ۱۴ درصد از بازار کار، نمی تواند تغییر چندانی در وضعیت عمومی بیکاری در جامعه ایجاد کند. مهرداد درویش پور پاسخ می دهد: « در نظر بگیرید که به هر حال جمهوری اسلامی حکومتی است که - بدون این که بخواهیم شعار بدهیم یا غلو کنیم - زن ستیزی یکی از ایدئولوژی های اصلی این دولت است. از همان زمانی که آیت الله خمینی در ایران به قدرت رسید با صراحت و طیفه زنان را خانه داری، مراقبت از شوهر و تولید مثل تلقی کرد. این طرز تفکر در ایران قدرتمند است و هر زمان که جریان های بنیادگرا قدرت را به دست می آورند، در صدد طالبانیزه کردن جامعه بر می آیند و این را در همه زمینه های آموزش، سیاست و غیره دنبال می کنند. در زمینه حقوق زنان آنها سعی می کنند با خانه نشین کردن زنان اقتدار خود را تحکیم کنند.

در یک حکومت زن ستیز عقب راندن هر چه بیشتر حقوق زنان، در تحکیم قدرتش نقش کلیدی تری دارد. »

اما همه آمارها مانند آمار اشتغال زنان سیر نزولی ندارند، براساس آخرین آمار منتشر شده از سوی نایب رئیس کانون سردفتران ازدواج و طلاق در ایران در هر ساعت ۱۶ طلاق ثبت می شود و در استان هایی چون کرمان، ثبت طلاق با رشد ۸۵ درصدی روبرو بوده است.

کارشناسان مسایل زنان می گویند بالا رفتن آمار اشتغال و البته طلاق، بیشتری تاثیر را در تغییر وضعیت زنان در جهان داشته اند. براساس آمار منتشر شده در ایران، میزان طلاق عاطفی ثبت شده در کشور بیش از دو برابر طلاق با دلایل دیگر است. این در حالی است که قوانین جمهوری اسلامی، حق درخواست طلاق را متعلق به مردان می داند.

مهرداد درویش پور از شکاف میان حکومت و مردم می گوید: « به راستی کشور دیگری را نمی شناسم که شکاف میان ملت و دولت و علایق فرهنگی و رفتاری ملت و دولت چنین عمیق باشد. هیچ بخش از رفتار مردم ایران

به خصوص شهر نشینان، شباهتی با الگوهای اسلامی که حکومت تبلیغ می کند ندارد، نه در مد لباس، نه در فرم آرایش و نه در شکل زندگی.»

این شکاف در شرایطی به گفته درویش پور روز به روز عمیق تر می شود که زنان ایرانی نیز روند جهانی شدن را طی می کنند و طلاق دیگر در جامعه ایرانی یک تابو تلقی نمی شود. مهرداد درویش پور با لارفتن میزان طلاق های عاطفی را نتیجه سخت گیرانه بودن قوانین جمهوری اسلامی می داند: «افزایش خود آگاهی زنان در افزایش طلاق ها نقش مهمی دارد. طلاق ها در بسیاری از کشورها با پیشقدمی زنان بوده است. یک اصطلاح فمنیستی می گوید مردان وقتی فرد دیگری را پیدا می کنند، طلاق می خواهند و زنان وقتی خود را می یابند به دنبال طلاق هستند. افزایش خود آگاهی زنانه در جامعه ما یک روند غیر قابل انکار است که ستمگری جمهوری اسلامی ایران تنها این فرآیند را دامن زده.»

به گفته درویش پور زنانی که امروز از خود آگاهی بالاتری برخوردارند، نسل جوانی که با الگوهای زندگی مدرن بیشتر آشنایی دارد و بیشتر به فردیت و تحقق خودش می اندیشد، روشن است که در درجه اول به جای پاسداری از خانواده مقدس، خودش را متحول کند. این جامعه شناس می افزاید «امروز نارضایتی نسل جدید زنان جوان از الگوهای پدر سالار بسیار شدید است و تحقیقات نشان می دهد افزایش قدرت زنان، در افزایش جدایی ها نقش دارد و البته خود این جدایی ها به مردان یاد می دهد که کمی برابرتر رفتار کنند.»

تلاش برای محدود کردن زنان در قالب خانواده اما تنها به حذف آنان از حوزه اشتغال و سخت گیرانه تر شدن قوانین طلاق محدود نمی شود. یک شنونده رادیو فردا می گوید: «من سال ۵۲ استخدام شدم و ۴۰ سال است که برای خودم و ۳۰ سال است که برای فرزندانم بیمه پرداخت می کنم. حالا جمهوری اسلامی، به زور و جبر ما را به زیر مجموعه پوشش همسر از دنیا رفته ام منتقل کرده. این یعنی تحقیر کردن و به حساب نیاوردن زنان. چرا بعد از ۴۰ سال پرداخت بیمه، آن را اصلا در نظر نگیرند و بروم زیر پوشش همسری که از دنیا رفته است؟»